

## عدالت جنسیتی یا برابری جنسیتی

کلمه عدالت جنسیتی مفهومی است که با تلاش بسیار کارشناسان و برنامه‌نویسان در جلسات متعدد تدوین برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴) در بند ه از ماده ۹۹ این لایحه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و این رویکرد در تدوین برنامه ششم توسعه وجود داشته است. چنانکه در ماده ۳۱ این برنامه آمده است: «به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار تصمیمات خود در آن چارچوب، بر اساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده اقدام کنند». هرچند این ماده مناقشه‌برانگیز محل بحث‌های بسیاری قرار گرفت، اما پس از کش‌وقوس‌های فراوان، واژه عدالت جنسیتی با حفظ موازین اسلامی به تصویب رسید.

شاید برداشت یگانه از مفهوم «عدالت و برابری» برای حاملان اندیشه مسلمانی (شیعی) موجب آن شده که برنامه‌نویسان ما با درک حساسیت‌های موجود در مواجهه با سنت‌گرایان با مباحث مربوط به جنسیت و به‌ویژه برابری جنسیتی که امروز تبدیل به رویکردی جهانی و الزام‌آور برای دستیابی به توسعه شده است، واژه «عدالت» را بدیل مناسبی برای «برابری» دانسته، به نفع برجای ماندن مفاهیم موردنظر در قالب واژگانی قریب و آشنا برای مردمی که اسلام‌شان علوی است و با واژه عدالت پیوندی جاودان خورده، غائله را ختم کنند. این تجربه درست در دوره‌ای که گفتمان اصلاحات می‌رفت تا پیوندی عمیق و استوار با مردمانی آزادی‌طلب و عدالتخواه برقرار کند، جامعه زنان را بیش از گذشته با واقعیت‌های پیش‌رویش آشنا کرد تا از آن پس با مطالعه عمیق‌تر و درایت بیشتری ساز برابری جنسیتی و رفع تبعیض را کوک کند. توجه به مسأله زنان و رفع تبعیض از آنان در نوشتن برنامه و نیز مصوبه دولت و مجلس اصلاحات برای پیوستن به کمیسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، موجب شد تا دو نگاه سنتی و نواندیشانه به زن و جایگاه و حقوق او هرچه شفاف‌تر و عریان‌تر خود را نشان دهد که برای مثال به دو نمونه آن اشاره می‌شود: مجله حوراء متعلق به حوزه علمیه قم در دفاع از حذف عدالت جنسیتی و ضمن ستایش مخالفان آن چنین می‌نویسد: «با این نگاه عدالت جنسیتی به معنای زمینه‌سازی لازم برای احساس ارزشمندی، آرامش و نشاط توسط زن و مرد و دستیابی هر یک از دو جنس به مراتب کمال معنوی و سازندگی خانه و اجتماع متناسب با انتظارات و ویژگی‌های تکوینی است و حکومت موظف است زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لازم را برای تحقق این مهم فراهم آورد. در این تصویر لازم است، تفاوت‌هایی را در برنامه‌ریزی‌ها به سمت دستیابی به اهداف مورد نظر پذیرفت. به‌عنوان مثال، لازم است نظام آموزشی دختران و پسران تا حدودی متفاوت و متناسب با کارکردها و ویژگی‌های هر یک از دو جنس تنظیم شود، پسران آموزش‌های لازم را به منظور ایفای نقش سرپرست خانواده و دختران آموزش‌های خاص را به منظور ایفای نقش مادری فراگیرند، سیستم‌های حمایتی خاص از زنان در قالب وجود نفقه بر همسر، متناسب‌سازی ساعات اشتغال با شرایط ویژه خانگی زن به‌عنوان مادر و همسر، مناسب ساعات آموزشی دختران با شرایط خانوادگی آنان، توسعه اشتغالات نیمه‌وقت و مشاغل خانگی زنان، ایجاد فرصت‌های خاص برای دختران در رشته‌های متناسب از جمله دانش خانواده، پرستاری، مامایی و تعلیم و تربیت درکنار ایجاد سیستم‌های حمایتی خاص از پسران از جمله به منظور تسهیل شرایط ازدواج و امکان تکفل خانواده در نظر گرفته شود و قوانین نیز بر همین اساس متناسب با شرایط دو جنس تنظیم شود.» درطیف مقابل دکتر ناصر فکوهی جامعه‌شناس با تأکید بر ضرورت ایجاد عدالت جنسیتی در مورد شاخص‌های آن می‌گوید: «تعداد شاخص‌ها زیاد هستند، اما مهم‌ترین آنها به موارد زیر مربوط می‌شوند: برابری زنان در سوادآموزی و تحصیلات ابتدایی، متوسطه و عالی، جلوگیری از ازدواج زودهنگام زنان و همچنین ازدواج‌های اجباری و بدون تمایل آنها، امکان زنان از برخورداری از تسهیلات پزشکی و تصمیم‌گیری درباره بدن خود و فرزندشان، به‌خصوص در مواردی که به بارداری مربوط می‌شود (مثلا امکان از میان بردن بارداری‌های ناخواسته در صورت نبود مشکل پزشکی)، آزادی زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و کمک به این حضور از طریق وضع قوانینی که بتواند آن را در عمل امکان‌پذیر کند، جلوگیری از دخالت جنسیت در استخدام و فشارهای جنسیتی در محیط کار یا در عرصه عمومی، جلوگیری از سوءاستفاده جنسی و حرفه‌ای، مبارزه با هرگونه فشار و خشونت مردان علیه زنان، چه در خانواده و چه بیرون از آن و... این شاخص‌ها همگی برای آن وضع شده‌اند که جامعه‌ای متعادل داشته باشیم که در آن زنان از حقوق و موقعیت اجتماعی مطلوب برای رشد و تعالی یافتن برخوردار شده و از آن طریق جامعه نیز بتواند رشد کند». ناگفته پیداست، جایگزینی واژه متناسب‌سازی برای عدالت با شناخت

روشنی که از نوع نگاه سنت‌گرایان به موضوع داریم، برنامه ششم توسعه را می‌توانست نهایتاً به چه سمت و سویی ببرد و جای خوشوقتی است که نمایندگان محترم با درک درست از نیازهای واقعی زنان و توجه ویژه به اقتضائات زمان و مکان کار را در مسیر درست و منطقی خود پیش خواهند برد. البته در این میان نباید از نقش مهم و تأثیرگذار نهادهای مدنی و رسانه‌ها در یادآوری ضرورت‌ها و الزامات در بخش قانونگذاری غافل‌ماند که جای تقدیر و ستایش دارد.

فخرالسادات محتشمی‌پور

مجله فربانو